

«معطوف و معطوف علیه»

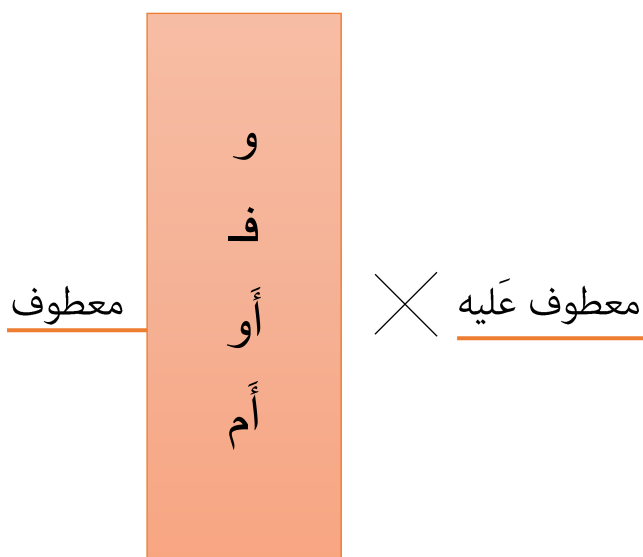
این اصطلاح معادل کلمات ربطی فارسی است که قوانین خاص خود را دارد.

ارکان: معطوف، حرف عطف و معطوف علیه.

حروف عطف: به حروفی مانند و (و)، ف (پس)، او (یا)، ام (یا)، ثم (سپس) (ثم برای ما مهم نیست). حروف عطف می گوئیم.

معطوف: کلمه یا جمله ای است که بلافاصله پس از این حروف ذکر شود.

معطوف علیه: کلمه یا جمله ایست که معطوف از آن تبعیت می کند.



نکته:

۱. اگر معطوف علیه اسم باشد، معطوف نیز اسم است و اگر فعل باشد، فعل است؛ همین طور می توانند هردو جار و مجرور باشند یا هردو جمله ی اسمیه یا فعلیه (که البته در دبیرستان فقط اسم و فعل را در نظر می گیریم و بقیه از حیطه ی درس خارج است).
۲. معطوف از حرکت معطوف علیه تبعیت می کند، به این صورت که اگر معطوف علیه مرفوع باشد، معطوف نیز مرفوع است و اگر منصوب باشد، منصوب و اگر مجرور باشد، مجرور و در صورتی که فعل مجزوم باشد، مجزوم.
۳. معطوف بودن نقش است، اما معطوف علیه بودن نقش نیست؛ یعنی معطوف علیه در واقع مبتدا، خبر، فاعل، مفعول و .. است.
۴. بین معطوف علیه و حرف عطف می تواند فاصله باشد، اما بین حرف عطف و معطوف، خیر.
۵. اگر چند کلمه با هم آمده باشند، همه معطوف به اولی می شوند.

مثال:

جاءَ عليٌّ من المدرسةِ وحميدٌ. علي: فاعل، و: حرف عطف، حميد: معطوف به علي

رأيتُ التلميذةَ في المكتبةِ و صديقتها. التلميذة: مفعول، و: حرف عطف، صديقة: معطوف بر التلميذة

سَلَّمْتُ عليَّ أستاذتي و أبيها. أستاذة: مجرور به حرف جر، و: حرف عطف، أبي: معطوف به أستاذة

رَجَعَ عليٌّ و حميدٌ و سعيدٌ و مجيدٌ من السفر. علي: فاعل، و: حرف عطف، حميد: معطوف به علي، و: حرف عطف، سعيد:

معطوف به علي، و: حرف عطف، مجيد: معطوف به علي.

حقيقي